

# دیرگاه ملاصدرا

## پیرامون نامها و صفات قرآن

### ابوالقاسم نخودیان اصفهانی

بدان خداوند قرآن را به پنجاه و پنج اسم نامگذاری نموده است.

یکی از پژوهشگران قرآنی، می‌گوید: بصرف استعمال صفاتی درباره قرآن نمی‌توان از آنها بعنوان نامهایی از قرآن یاد نمود و مجموعه کامل وحی الهی، یک نام بیشتر ندارد و آن «قرآن» می‌باشد و نامهای دیگر همه از جمله صفات قرآن است.<sup>۴</sup>

در این مقاله برآنیم که دیدگاه حکیم فرزانه، فیلسوف، عارف و مفسر گرانقدر، مرحوم محمد بن ابراهیم شیرازی مشهور به ملاصدرا یا صدرالمآلهین بیان شود. عظمت این مرد بزرگ در حکمت متعالیه و مجموعه آثار او، بویژه در کتاب «الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه» آشکار گردیده است. او در موقف هفتم در سفر سوم این کتاب بمناسبت بحث از کلام الهی نظرات خود را درباره برخی از موضوعات پیرامون قرآن کریم بیان نموده است، از جمله درباره اسامی و صفات قرآن دیدگاه خاصی را ارائه می‌نماید.

### حقیقت قرآن

در آغاز باید گفت، اگر کسی بخواهد پیرامون حقیقت قرآن سخنی را بیان کند، چه باید بگوید؟ آیا می‌توان با چند جمله و یا حتی با چند کلمه به حقیقت قرآن اشاره نمود؟ اگر ما بخواهیم با دو کلمه حقیقت قرآن را معرفی کنیم چه باید بگوییم؟ با بررسی در سخنان گرانسنگ اهل بیت علیهم‌السلام پیرامون قرآن، به اصطلاح «تجلی خداوند» درباره

### واژه‌های کلیدی

کلام الهی، اسماء و صفات قرآن، تجلی خداوند، حکمت متعالیه، وجود تشکیکی، محبت.

### مقدمه:

قرآن مجموعه‌ای از آیات الهی است که از طریق وحی نازل گردیده و معجزه جاودانی رسالت محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم واقع شده است. و هیچگونه زیادت و کاستی در آن واقع نشده است مسلمانان قرآن کریم را زیر بنای اساسی بینشها و رفتارهای دینی خود می‌دانند.

علاقه وافر پژوهشگران اسلامی سبب گردیده که پیرامون این مجموعه بینظیر کلام الهی دقتها و کند و کاوهایی بکنند و هر قدر زمان سپری گردیده شناخت از قرآن عمیقتر و ابعاد گسترده‌تری یافته است.

سراغاز پژوهش پیرامون کتابهای آسمانی، بحث از نام و صفات آنها بوده است اگر چه برخی از کتابهای الهی نام مشخصی را از ابتدا داشته‌اند، مانند تورات و انجیل و از برخی دیگر بطور کلی به «الواح» یا «صحف» یاد شده است. اما درباره قرآن کریم با همه عنایات پژوهشگران اسلامی، برخی می‌گویند در اینکه زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مجموعه وحی الهی چه نامی نهاده شده سخن قطعی و روشنی در دست نیست.<sup>۱</sup> و دانشمندان علوم قرآنی و نیز مورخان پیرامون نام و صفات قرآن کریم دیدگاههای مختلفی را بیان نموده‌اند هر یک از زاویه خاص به این موضوع نگرستانند که در آغاز مناسب است برخی از آن نظرات را ذکر کنیم.

شیخ طاهر جزائری در کتاب «التبیین» می‌گوید که «جرالی» نودواندی نام برای قرآن بیان نموده است<sup>۲</sup> و نیز جلال الدین سیوطی بنقل از کتاب «البرهان» می‌نویسد قاضی شیدله گفته:

«علم أن الله سَمَّى القرآن بخمسة وخمسين اسماً»<sup>۳</sup>

۱ - رامیار، محمود، تاریخ قرآن، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۹، ص ۹.  
۲ - زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، چاپ اول، (مصر ۱۹۵۷م)، ج ۱، ص ۲۷۲.  
۳ - سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان، الاتقان فی علوم القرآن، چاپ سوم، قاهره، (۱۳۶۰)، ص ۵۰.  
۴ - حجتی، سید محمد باقر، مجموعه سخنرانیها و مقالات اولین کنفرانس تحقیقاتی علوم و مفاهیم قرآنی، دارالقرآن الکریم، قم، مقاله پژوهشی پیرامون نامها و صفات قرآن، ص ۲۶.

قرآن بر می‌خوریم، مانند: توصیف حضرت علی علیه السلام درباره قرآن که می‌فرماید:

فتجلی لهم سبحانه فی کتابه من غیر أن یکونوا رأوه<sup>۵</sup>

«خداوند سبحان برای انسانها در کتاب خود (قرآن) تجلی نموده است بدون آنکه او را ببینند.» و نیز امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

لقد تجلی الله لخلقہ فی کلامه ولکنهم لا یبصرون<sup>۶</sup>

به تحقیق خداوند برای بندگانش در کلام خود تجلی کرده ولی آنها نمی‌بینند.

با دقت و تأمل در اصطلاح «تجلی خداوند» پیرامون قرآن کریم به نکات ارزشمندی از حقیقت قرآن پی خواهیم برد. و از این طریق اهل بیت علیهم السلام برای مؤمنین ابوابی از معرفت قرآن را گشوده‌اند. بنابراین انسان هرگاه بخواهد تجلی خداوند را شاهد باشد باید به سراغ قرآن کریم برود

و اگر خداوند بیهمتاست قرآن کریم بعنوان تجلی خدا بینظیر خواهد بود و اگر خداوند دارای اسماء و صفات بیشماری می‌باشد قرآن کریم نیز دارای نامها و صفات زیادی خواهد بود. و اگر هر یک از نامها و صفات الهی کمال مطلق را در ذات خداوند اثبات

می‌کند، هر یک از نامها و صفات قرآن نیز پرتوی از حقیقت قرآن را برای ما آشکار خواهد نمود. و اگر حقیقت ذات و صفات الهی قابل درک کامل برای ما انسانها نباشد، در مورد قرآن کریم نیز چنین خواهد بود.

از طرف دیگر در قرآن کریم، صفاتی را خداوند به خود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز قرآن نسبت داده مانند نور، حکمت، عظیم، مبارک و... با بررسی و دقت در ارتباط این صفات معارف زیادی برای بشر شکوفا خواهد شد.

ملاصدرا در ارتباط با قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید:

فافتح بصیرتک یا انسان بنور معارف القرآن و انظر أولیة الرحمن بأخریة الرسول الهادی إلی عالم النور و الرضوان، و اعلم أن الباری و حدانی الذات فی أول الاولین و خلیفة الله فردانی الذات فی اخر الاخرین<sup>۷</sup>

پس ای انسان، بگشا دیدگان خود را به نور معارف قرآن و اولیّت خداوند رحمن را به آخریت رسول او نظر نما، پیامبری که انسان را به نور و رضوان هدایت می‌کند و بدان، خداوند یکتا در مرتبه آغازیش دارای توحید ذاتی است و خلیفه

الله ذات یگانه‌ای در مرتبه پایانی است.

بنابراین قرآن بعنوان کلام الهی، همان تجلی خداوند می‌باشد و بین حقیقت کلام الهی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نوعی ارتباط خاص می‌باشد. جلوه عملی قرآن در وجود پیامبر تجلی دارد بنا بر روایت نقل شده:

کان خلقه القرآن<sup>۸</sup>

اخلاق پیامبر قرآن بود.

نظر ملاصدرا پیرامون حقیقت قرآن

همانطوری که می‌دانید یکی از اصول مهم در حکمت متعالیه، موضوع اصالت وجود و بیان و اثبات حقیقت تشکیکی وجود می‌باشد، منظور آنست که وجود یک حقیقت بیشتر ندارد ولی دارای مراتب وجودی مختلف می‌باشد و هر یک از این مراتب، ماهیتی را بوجود می‌آورد ولی در هستی مشترک می‌باشد. این نظر پیرامون هستی و وجود بیان شده است.

بر این اساس، مرحوم ملاصدرا معتقد است که وجود قرآن بعنوان یک واقعیت عینی دارای یک حقیقت با مراتب مختلف می‌باشد. او در این باره می‌گوید:

فإن القرآن وإن کان حقیقة واحدة لکنه ذو مراتب و مواطن كثيرة فی النزول<sup>۹</sup>

همانا قرآن، اگر چه حقیقت واحد است ولی در سیر نزولی دارای مراتب و جایگاههای زیادی است.

در جای دیگر ملاصدرا می‌گوید:

فکذلک القرآن حقیقة واحدة و له مراتب كثيرة<sup>۱۰</sup>

همچنین قرآن دارای حقیقت واحدی است که مراتب زیادی دارد.

بنابراین قرآن بعنوان یکی از موجودات عینی عالم هستی است که دارای یک حقیقت می‌باشد و در مراتب مختلف در سیر نزولی آن وجودی بمقتضای آن مرتبه داشته و نیز آثار وجودی در هر مرتبه را دارا است و

۵ - صبحی صالح، نهج البلاغه، ص ۴۴۶.

۶ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۹۲، ص ۱۰۷.

۷ - صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، المطبعة العلمیه، قم، ج ۷ جزء الثانی من السفر الثالث، ص ۲۱.

۸ - همان، ص ۲۴. ۹ - همان، ص ۳۱.

۱۰ - صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح محمد خواجوی، انتشارات بیدار، قم، سال ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۲.

ملاصدرا (ره) پیرامون حقیقت قرآن و مراتب آن می‌گوید:  
**إنَّ القرآنَ و الآياتَ المنزلةَ هِیَ بعینِها آیاتٌ**  
**کلامیه فی مقام و الفاظ مسموعه بهذه الاسماع**  
**الحسیة او نقوش مکتوبه مبصره فی المصاحف بهذه**  
**الابصار الحسیة فالحقیقة واحدة و المجالی متعدده و**  
**المشاهد مختلفه و المواطن کثیره<sup>۱۱</sup>**  
 قرآن و آیات نازل شده، در مقامی همان آیات  
 کلامی خداوند است و نیز الفاظ شنیدنی بوسیله  
 گوشهای حسی و یا آثار نوشته شده در مصاحف  
 که بوسیله چشمهای حسی دیده می‌شود. پس  
 حقیقت قرآنی یکی بیش نیست ولی مقامات و  
 مشاهد آن مختلف و بیشمار می‌باشد.  
 بنابراین کلام الهی مانند حقیقت وجود دارای مراتب مختلف  
 می‌باشد که در اصطلاح، وجود تشکیکی نام می‌نهند.

پس حقیقت قرآن به الفاظ و  
 عبارات خلاصه نمی‌شود. بلکه  
 مراتبی از قرآن با قلم اعلی  
 همدوش است و برخی دیگر از  
 آن بر قلب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل  
 می‌شود که قرآن در این باره  
 می‌گوید:  
**نزل به الروح الامین**  
**علی قلبک<sup>۱۲</sup>**

قرآن را روح الامین بر قلب تو نازل نمود.  
 و برخی دیگر از مراتب قرآن بر زبان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله  
 جاری می‌شود.  
 قرآن در این باره می‌گوید:

**فانما یسرناه بلسانک لتبشر به المتقین<sup>۱۳</sup>**

همانا قرآن را بر زبان تو آسان نمودیم تا  
 بواسطه آن پرهیزگاران را بشارت دهی.  
 و مراتبی از قرآن در قلوب مؤمنین جا می‌گیرد و  
 مرتبه‌ای از آن در «مابین الدفتین» بصورت مکتوب ظاهر  
 می‌شود هر یک از این مراتب جلوه خاصی از حقیقت  
 قرآن را آشکار می‌سازد.

این فراز را با حدیث امام حسین علیه السلام تمام می‌کنیم،  
 امام درباره ابعاد مختلف قرآن و درک آن می‌فرماید:

**کتاب الله عزوجل علی اربعة اشياء علی العبارة و**  
**الاشارة و اللطائف و الحقایق فالعبارة للعوام و**  
**الاشارة للخواص و اللطائف للاولیاء و الحقایق**  
**الانبیاء<sup>۱۴</sup>**

امام حسین علیه السلام فرمود: کتاب خداوند عزوجل  
 بر چهار خصلت است: مقام عبارت، اشاره،

لطائف و حقایق، که عبارت قرآن برای عوام مردم  
 و اشارات قرآنی برای خواص و لطائف آن بر  
 اولیاء و دوستان و حقایق آن برای پیامبران  
 قابل درک می‌باشد.

**اثبات حقیقت تشکیکی قرآن**

اگر چه اثبات این موضوع در حکمت متعالیه بسیار  
 آسان می‌باشد ولی در اینجا تنها از طریق دلائل نقلی  
 حقیقت تشکیکی قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد.  
 ملاصدرا در این باره می‌گوید:

**و للدلالة علی تفاوت المقامات قال الله تعالی فی**  
**صفة القرآن «انه لقرآن کریم فی کتاب مکتون لا یمسه**  
**الا المطهرون تنزیل من رب العالمین» فذکر له**  
**اوصافاً متعدده بحسب درجاته و مقاماته اولها و**  
**اعلاها الکرامة عند الله و ادانها التنزل الی هذا العالم**  
**من عند رب العالمین<sup>۱۵</sup>**

در اثبات مقامات قرآنی،  
 خداوند متعال در توصیف قرآن  
 می‌فرماید: آن قرآن کریمی است که  
 در کتاب محفوظی جای دارد و جز  
 پاکان نمی‌توانند به آن دست زنند،  
 آن از سوی پروردگار عالمیان نازل  
 شده پس برای قرآن صفات زیادی  
 را بر اساس مراتب مختلف آن ذکر

نموده است، مرتبه برتر آن مرتبه عند الله و  
 پایین‌ترین مرتبه آن، مرتبه نزول در این جهان از  
 جانب «رب العالمین» است.

این موضوع با کمک آیات دیگر قرآن نیز قابل اثبات  
 می‌باشد قرآن در این باره می‌گوید:

**إنا جعلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون و إنه فی أمّ**  
**الکتاب لدینا لعلی حکیم<sup>۱۶</sup>**

ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم شاید  
 شما آن را درک کنید و آن در (ام الکتاب) = لوح  
 محفوظ) نزد ما بلند پایه و استوار است.

خداوند در این آیه می‌فرماید حقیقت قرآن را بصورت  
 الفاظ عربی در آورده‌ایم تا انسان بتواند در آن تعقل کند در  
 صورتی که مرتبه‌ای از قرآن در نزد خداوند در «ام الکتاب»  
 قرار دارد.

۱۱ - الاسفار الاربعه، ج ۷، ص ۳۰.

۱۲ - سوره شعراء، آیه ۱۹۳. ۱۳ - سوره مریم، آیه ۹۸.

۱۴ - مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰.

۱۵ - الاسفار الاربعه، ج ۷، ص ۳۸.

۱۶ - سوره زخرف، آیه ۴.

از این آیات ملاصدرا نتیجه می‌گیرد که قرآن دارای مقاماتی می‌باشد که از جمله آنها مقام «کتاب مکنون»، مقام «تنزیل» و نیز جایگاه «ام الكتاب» و بصورت الفاظ در آوردن آن حقیقت «بلسان عربی مبین» است.

و نیز می‌توان از روایاتی که برای قرآن ظاهر و باطن و نیز باطنهای مختلف را مطرح نموده‌اند به مراتب مختلف قرآن پی برد و اگر در روایات پیرامون بطنهای قرآنی عدد هفت یا هفتاد بکار رفته است، با توجه به کاربرد عدد هفت در زبان عربی، چه بسا بعنوان عدد کثرت، مقامات و بطون زیادی را درباره حقیقت قرآن اثبات نمایند. مانند:

إِنَّ للقرآن ظهراً و بطناً و لبطنه بطناً إلى سبعة أبطن<sup>۱۷</sup>

همانا برای قرآن ظاهری و باطنی است و برای باطن او باطن دیگر تا هفت بطن.

ملاصدرا حقیقت قرآن را به انسان تشبیه می‌کند و می‌گوید:

بالجملة إنَّ للقرآن درجات و منازل كما للانسان و أدنى مراتب القرآن و هو ما فی الجلد و الغلاف كأدنى مراتب الانسان و هو فی الالهة و البشرة<sup>۱۸</sup>

بطور کلی قرآن دارای درجات و مراتبی مانند انسان می‌باشد پایین‌ترین مرتبه قرآن، آن چیزی است که بر روی ورق و کاغذ ظاهر می‌شود مانند پایین‌ترین مرتبه انسان که در پوست و موی او ظاهر شده است.

همچنین ملاصدرا درباره ظاهر و باطن قرآن می‌گوید:

إعلم أنَّ القرآن كالانسان: ینقسم إلى سر و علن و لكل منهما أيضاً ظهر و بطن و لبطنه بطن آخر إلى أن یعلمه الله<sup>۱۹</sup>

بدان قرآن همانند انسان به ابعاد آشکار و پنهانی تقسیم می‌شود و هر یک از آنها نیز دارای ظاهر و باطنی است و حتی هر باطنی از قرآن تا جایی که خداوند می‌داند دارای باطن دیگری است.

مولوی می‌گوید:

نور قرآن ای پسر ظاهر مبین

دیو آدم را نبیند غیر طین

ظاهر قرآن چو شخص آدمی است

که نقوشش ظاهر و جانش خفی است

بنابراین ملاصدرا با استفاده از آیات و روایات وجود

تشکیکی قرآن را اثبات می‌کند.

**دیدگاه ملاصدرا پیرامون نامها و صفات قرآن**

پس از بیان حقیقت قرآن و اثبات وجود تشکیکی آن از دیدگاه ملاصدرا، زمینه مناسبی ایجاد می‌شود تا نظر ملاصدرا درباره نامها و صفات قرآن توضیح داده شود. بر خلاف آنچه متداول بین دانشمندان علوم قرآنی و آگاهان

به تاریخ قرآن، است ملاصدرا اعتقاد دارد، قرآن دارای نامها و صفات بشمار می‌باشد و هر یک از آنها به مرتبه‌ای از حقیقت قرآن اشاره دارد. ملاصدرا در این باره می‌گوید:

فإنَّ القرآن و إن كان حقیقة واحدة لکنه ذو مراتب

و مواطن كثيرة فی النزول و اسامیه بحسبها مختلفة و

له بحسب کل موطن و مقام اسم خاص<sup>۲۰</sup>

همانا قرآن، اگر چه دارای حقیقت واحدی

می‌باشد ولی با مراتب و جایگاههای زیادی است

و نامها بر حسب مراتب مختلف آن می‌باشد و

برای هر مرتبه و مقامی اسم خاصی وجود دارد.

از طرف دیگر چون قرآن دارای مراتب مختلف و

بشمار می‌باشد بر اساس این دیدگاه، قرآن نیز دارای نامها و

صفات بشمار می‌خواهد بود ملاصدرا در اینبار می‌گوید:

و له ألف ألف من الاسامی<sup>۲۱</sup>

و برای قرآن هزار، هزار نام وجود دارد.

در جای دیگر ملاصدرا می‌گوید:

و اسامیه غیر محصورة...

و نامهای قرآن بینهایت می‌باشد.

و نیز داشتن نامهای متعدد و صفات زیاد خود دلیلی

بر عظمت و رفعت شأن قرآن کریم می‌باشد و

صدر المتألهین در این باره می‌گوید:

لا شک إنَّ كثرة الاسامی و الاوصاف تدل علی

عظم شأن المسمی و الموصوف و الله أعلم بجلالة

شأن کلامه و کتابه<sup>۲۲</sup>

شکی وجود ندارد در اینکه بشمار می‌باشد و

صفات قرآن بر عظمت شأن مسمی و موصوف

دلالت دارد و خداوند بر جلال و عظمت حقیقت

کلام و کتاب خویش آگاه است.

بنابراین با توجه به مطالب فوق، نظر ملاصدرا درباره

نامها و صفات قرآن کریم سرچشمه در مبنای حکمت

متعالیه او دارد و عالم وجود و نیز قرآن در دیدگاه او بر یک

مبنای فلسفی و عرفانی بیان می‌شود و کسانی که آشنایی

بیشتری از این مکتب دارند دیدگاه ملاصدرا را بهتر درک

خواهند نمود.

ملاصدرا اسما و صفات قرآن را از طریق خود قرآن

بیان می‌کند و حتی در اثبات و توضیح مفاهیم آنها از

آیات قرآن یاری می‌جوید و پس از ذکر تعدادی از این

۱۷ - فیض کاشانی، مولی محسن، الصافی فی تفسیر القرآن الکریم

انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، سال ۱۳۶۲، مقدمه چهارم، ص ۱۷.

۱۸ - الاسفار الاربعة، ج ۷، ص ۳۹.

۱۹ - همان، ج ۷، ص ۳۶. ۲۰ - همان، ج ۷، ص ۳۱.

۲۱ - همان، ج ۷، ص ۳۱. ۲۲ - همان، ج ۷، ص ۵۴.

نامها و صفات می‌گوید با رجوع به قرآن صفات دیگری را هم می‌توان بیان نمود و می‌فرماید:

و غیر ذلک کثیراً کما ینظر بالمراجعة إلی القرآن و غیر از موارد مذکور بسیار می‌باشد همانطوری که با رجوع به قرآن آشکار می‌گردد.

راه درک قرآن

ملاصدرا پس از توضیح دیدگاه خود پیرامون حقیقت قرآن و نیز نامها و صفات قرآن با تأکید بر اصول حکمت متعالیه شیفتگان قرآن را به فهم مراتب قرآن و در پی آن به دریافت حقیقت نامها و صفات قرآن دعوت می‌کند و اگر چه فهم هر مرتبه‌ای در شرایط خاص انجام می‌گیرد، ملاصدرا می‌گوید:

و للقرآن فی کل مرتبة و مقام حملة<sup>۲۳</sup>

برای قرآن کریم در هر مرتبه و مقامی حاملان

این راه اشاره شده است.

... فمن عمل رضای الزمته ثلاث خصال أعرفه  
شکراً لا یخالطه الجهل و ذکراً لا یخالطه النسیان و  
محبة لا یؤثر علی محبتی محبة المخلوقین... و  
اسمعه کلامی و کلام ملائکتی...<sup>۲۵</sup>

... پس کسی که بر طبق رضای من عمل نماید سه خصلت همیشگی به او می‌دهم: شکری که دیگر جهلی با آن نمی‌باشد و ذکری را به او عطا می‌کنم که همراه آن فراموشی نمی‌باشد و نیز عشقی را به او می‌دهم که دیگر دوستی هیچ مخلوقی را بر نمی‌گزیند... و در این حال او را شنوای کلام خودم و سخن فرشتگان می‌نمایم...  
با بیان دیگر، ملاصدرا راه معرفت حقیقت قرآن را علم یقینی و شاگردی اهل بیت علیهم‌السلام می‌داند و در این باره می‌گوید:

### \* چون قرآن دارای مراتب مختلف و بیشمار می‌باشد بر اساس این دیدگاه قرآن نیز دارای نامها و صفات بیشمار خواهد بود

### \* راه درک قرآن، اسماء و صفات آن از طریق محبت الهی امکان دارد و در این راه باید از محبوبین خداوند که اهل بیت علیهم‌السلام هستند کمک و یاری جویم.

إعلموا ایها الاخوان السالکون المعتنون  
باموالدین و فهم غرائب الکلام المبین أن فهم غرائب  
و رموزه و عجائبه مما لم یتیسر لأحد من الناس و إن کان  
من الأکیاس الألمان دارس علم الیقین و تعلم فی مدارس  
آل یاسین و مکتب اهل التقدیس و اهل الذکر...<sup>۲۶</sup>  
ای برادران سالک آگاه به امر دین و دوستداران  
فهم شگفتیهای کلام مبین الهی، بدانید که فهمیدن  
و درک غرائب و رموز و عجائب قرآنی برای  
احدی از مردم اگر چه از باهوشترین افراد باشد.  
امکان ندارد، مگر برای کسانی که به مقام علم  
الیقین و یادگیری از مکتب آل یاسین علیهم‌السلام و افراد  
قدسی و اهل ذکر رسیده باشند.  
بنابراین راه درک قرآن، اسماء و صفات آن، از  
طریق محبت الهی امکان دارد و در این راه باید از  
محبوبین خداوند که اهل بیت علیهم‌السلام هستند کمک و  
یاری جویم.

\* \* \*

خاصی وجود دارد.  
ملاصدرا راه درک و فهم قرآن را تنها در مسیر محبت  
الهی می‌داند، و می‌گوید:

فالمنزول بما هو کلام الحق نور من أنوار الله  
المعنویه نازل علی قلب من یشاء من عبادة  
المحبوبین لا المحبین فقط<sup>۲۴</sup>

آنچه نازل گردیده بعنوان کلام الهی نوری از انوار  
معنوی الهی می‌باشد که خداوند بر قلب هر یک از  
بندگان محبوب نه فقط محب الهی نازل می‌نماید.  
راه محبت نزدیکترین راه به محبوب و مرکب عشق،  
تیزتکترین مرکب بسوی مقصود است و میزان اقربیت  
درگاه حضرت باری تعالی همانا شدت مراتب حب است.  
ملاصدرا در جای دیگر می‌گوید:

خطابات القسran مما یختص بأحباء الله و  
المتألّهین و المقربین

خطابهای قرآنی از جمله چیزهایی می‌باشد که  
اختصاص به دوستداران، متألّهین و مقربین الهی دارد.  
اگر چه راه انس با حقیقت قرآن، طهارت قلبی و ایجاد  
سنخیت و وجودی با قرآن می‌باشد که راه رسیدن به آن از  
طریق محبت می‌باشد و چه زیبا در حدیث معراج به آثار

۲۳ - همان، ج ۷، ص ۳۹. ۲۴ - همان، ج ۷، ص ۲۴.

۲۵ - مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۸

۲۶ - الاسفار الأربعة، ج ۷، ص ۴۰.